

که در این مذاکرات به منافع ملی ایران لطمه وارد شود. چالش سوم آن است که مذاکره کنندگان در هر دو طرف واقع بینانه بر خورد نکنند. مثلاً اظهارات پیشین خانم وندی شرم، در کنگره آمریکا که ایران باید آب سنگین اراک را تعطیل کند و سایت «فردو» را ببندد هم زیاده طلبی است و هم غیر واقع بینانه.

چالش چهارم هم نبود دورنگری و اهداف بلند مدت تر است. به قدری هر دو طرف در داخل خود در فشارند که ممکن است به راه حل کوتاه مدت که به طور مقطعی راضی کننده جناح های سیاسی مخالف داخلی باشد، تن دهند و از این فرصت برای اهداف و منافع کلان و بلند مدت استفاده نکنند.

این خوشبینی تا چه حد به تیم جدید مذاکره کننده که از همکاران قدیمی شما هم هستند ارتباط دارد؟

البته توافقی که در ژنو توسط تیم فعلی هسته ای حاصل شد اصولاً و اساساً همان چارچوبی است که در آلماتی توسط تیم آقای جلیلی مذاکره شد و در دوران آقای لاریجانی هم یک توافق ضمنی با آقای سولانا به وجود آمد مبنی بر «FreezeToFreeze» یا «تعلیق در برابر تعلیق». معنی آن هم این بود که قدرت های بزرگ تحریم بیشتر را تعلیق و متوقف می کنند و ایران هم غنی سازی بیشتر را تعلیق می کند. اگر آقای لاریجانی در همان مقطع از داخل حمایت می شد، این فرمول را می توانست نهایی کند و حداقل نیمی از تحریم های فعلی را انداختیم. لذا اساس توافق فعلی همان اساس مذاکرات در دوره آقای لاریجانی و آقای جلیلی است. منتهی تیم فعلی یک مقداری امتیاز بیشتری گرفت آن هم به این دلیل که فضای بین المللی در دوره مذاکرات جدید نسبت به ایران مثبت شد که دلیل اصلی آن هم انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ بود. در عین حال زحمات مذاکره کنندگان قبلی در دوره های آقایان لاریجانی و جلیلی هم زمینه ساز توافق اخیر شد. عملکرد تیم فعلی بیشتر شبیه عملکرد تیم هسته ای در دوران آقای خاتمی است. در بهار سال ۱۳۸۴ تیم هسته ای آقای خاتمی پیشنهادی به سه کشور اروپایی کرد که بیشترین شباهت را با توافق اخیر هسته ای در ژنو دارد.

آیا مذاکرات اخیر در وین را گامی بزرگ و روبه جلو می دانید؟

نخستین دور مذاکرات توافق جامع به خوبی پیش رفت زیرا توانستند روی اصول و چارچوب مذاکرات در چند ماه آینده توافق کنند. همچنین در مورد یک برنامه زمانبندی شده تا حداقل چهار ماه آینده هم توافق شد که شامل دیدار های منظم در سطوح کارشناسی و عالی است. اما نباید فراموش کرد که دو طرف، اختلاف های جدی در مورد کم و کیف توافق نهایی دارند و لذا مذاکرات سختی در پیش است.

اساس اختلاف هم بر این مبناست که استراتژی ایران در مورد توافق نهایی بر مبنای شفافیت سازی در چارچوب مقررات آژانس است و استراتژی قدرت های جهانی بر مبنای ایجاد محدودیت در برنامه تولید سوخت هسته ای ایران است. دو طرف با دو استراتژی متفاوت وارد کارزار دیپلماتیک شده اند. اساس خواست ایران، مقررات معاهده ان. پی. تی است در حالی که طرف مقابل تعهداتی فراتر از ان. پی. تی طلب می کند. آن ها می خواهند ایران آب سنگین اراک و سایت غنی سازی «فردو» و توسعه نسل جدید سانتریفیوژها را تعطیل کند. اینها زیاده طلبی قدرت های جهانی است که مذاکره کنندگان ایران نباید بپذیرند و نخواهند بپذیرفت.

در عین حال چالش اساسی بر سر نیاز واقعی و عملی ایران به سوخت هسته ای خواهد بود که این نیاز مشخص کننده ظرفیت غنی سازی ایران خواهد بود. قدرت های بزرگ هم پذیرفته اند که ایران خودش نیازش را تعیین کند اما آن ها وقتی قانع خواهند شد که ایران بتواند یک برنامه نیاز عملی و واقعی را ارائه کند. لذا این وظیفه مهم به دوش سازمان انرژی اتمی ایران است که مهم ترین بخش مذاکرات نیز خواهد بود.

مصرف داخلی در زمینه های صلح آمیز می خواهد و نه برای تولید بمب. لذا ایران باید بتواند در مذاکرات آتی میزان مصرف واقعی و عملی صلح آمیز خود را ارائه کند. این موضوع نقش بسیار مهمی در سر نوشت غنی سازی ایران خواهد داشت.

یکی از استدلال های جدی موافقان توافق ژنو این است که این توافق در فضای بین المللی باعث شد تا ایران را از انزوای خارج کرده، همچنین گروه های جنگ طلب را متروک کرد (مثل نتانیاهو و کنگره آمریکا). چقدر با این استدلال موافق هستید؟ و آیا اگر این توافق صورت نمی گرفت و کنگره به طرف تحریم کامل نفت ایران می رفت گزینه جنگ اجتناب ناپذیر بود؟

من موافقم که توافق ژنو از تشدید بحران و اعمال تحریم های کشنده جدید علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کرد، برخی از تحریمها را هم بر طرف کرد، راه هم برای توافق نهایی باز کرد و در بازسازی روابط تخریب شده خارجی ما هم موثر بود.

چشم انداز توافق جامع بین ایران و ۵+۱ را چگونه ارزیابی می کنید؟ با توجه به مثبت تلقی شدن دور اول مذاکرات جامع در وین آیا می توان به رسیدن به توافق امیدوار بود؟ چه مسائلی را به عنوان تهدید های این توافق می توان بر شمرد؟

راه سختی در پیش است. چهار مسئله اصلی: آب سنگین اراک، سایت غنی سازی فردو، نیاز عملی ایران و بازرسی های گسترده مشکل ترین مباحث پیش روست که حل و فصل آن هم کار ساده ای نیست. خامن شتون هم احتمال دارد که چند ماه آینده نیز تغییر کنند و فرد جدیدی مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا شود که ممکن است در جریان مذاکرات گذشته نباشد. اما در توافق اولیه ژنو مهمترین معضل ۱۰ سال گذشته مذاکرات هسته ای حل شده و آن هم اینکه پذیرفته اند که ایران غنی سازی داشته باشد و در حد مصرف و نیازش هم بتواند سوخت هسته ای تولید کند.

لذا می توان به نتیجه نهایی خوشبین بود. اما در زمینه چالش ها و تهدیدها می توان به موارد زیر اشاره کرد: نخستین چالش، زیاده طلبی است. چالش دوم، مخالفین توافق در هر دو طرف هستند. در آمریکا کنگره اسرائیلی، لابی صهیونیست، لابی برخی از کشورهای عربی و منافقین با تمام قدرت به دنبال این هستند که اول: مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا را متوقف کنند؛ دوم: مذاکرات آتی را به شکست بکشاند؛ سوم: تحریم های برداشته شده را دوباره برگردانند و تحریم های بیشتر علیه ایران اعمال کنند و نهایتاً آمریکا را به سمت حمله نظامی به ایران سوق دهند. در ایران هم مخالفانی وجود دارند که از نظر من اکثر آن ها دلسوز کشور و انقلاب هستند و نگرانند

آلمان و ژاپن به رسمیت نشناخته است ما چگونه انتظار داریم که این حق را برای ما به رسمیت بشناسند؟ البته که ایران نیازی به رسمیت شناخته شدن حق غنی سازی خود از سوی آمریکا یا سایر کشورها ندارد. بر اساس معاهده آن پی تی، حق غنی سازی ایران قانونی است اما در ده سال گذشته علت مشاجره ما با ۵+۱ اصرار آن ها بر این نکته بوده که ایران نباید در عمل غنی سازی اورانیوم را انجام دهد چرا که ما به ایران به عنوان کشوری که بتواند از این حق خود استفاده کند، اعتماد نداریم. امروز ۵+۱ پذیرفته است که ایران می تواند در عمل غنی سازی اورانیوم را در قبال اقدام های اعتماد سازی مانند شفافیت سازی، افزایش بازرسی ها و اعمال برخی محدودیت ها در درصد آن مانند ممنوعیت غنی سازی بیش از ۵ درصد در خاک کشور خود انجام دهد.

اما در مورد سوال شما باید تصریح کنم اصولاً بحث من در مورد آمریکای تنها نیست. قدرتهای جهانی بعد از تصویب معاهده آن پی تی، غنی سازی در کشورهای متحد خود مثل آلمان و ژاپن را بطور ضمنی و در عمل تحمل کرده و پذیرفته اند لکن هیچ گاه نیامدند طی قراردادی بطور کتبی غنی سازی آن ها را به "رسمیت" بشناسند. ضمناً کشوری مثل ژاپن هم پروتکل الحاقی را پذیرفته و هم غنی سازی را زیر ۵ درصد انجام می دهد. لذا ما هم باید واقع بین بوده و بیش از این هم توقع نداشته باشیم. همین که در توافق نهایی بپذیرند ایران هم غنی سازی داشته باشد، کافی است چون معاهده آن پی تی هم حق ما را به رسمیت می شناسد. به هر حال همین قدرتهای بزرگ هستند که نهایتاً در مورد دپرونده ایران در شورای امنیت و سازمان ملل تصمیم می گیرند.

با توجه به سوال قبلی اصولاً می توان بر مبنای توافق ژنو چشم اندازی برای پذیرش حق غنی سازی در ایران داشت؟

بله. اگر توافق نهایی حاصل شود ایران عملاً غنی سازی خواهد داشت و قدرت های بزرگ هم خواهند پذیرفت منتهی با شرایطی که در توافق نامه ذکر خواهد شد.

شما اخیراً در مقاله ای در المانیستور توصیه هایی را به مسئولان داشته اید برای تهیه طرح های توجیه اقتصادی غنی سازی در ایران، این توصیه ها مبنی بر چه نگرانی است؟ چون اخیراً با آقای عباسی مصاحبه داشتیم و ایشان معتقد بود که آن ها در قدم بعد، پس از این که غنی سازی ۲۰ درصد را تعطیل کردند با این استدلال که ایران نیاز عملی به غنی سازی ندارد و با توجه به قید تعریف عملی غنی سازی در توافق ژنو به سمت تعطیلی کامل غنی سازی ۵ درصد می روند. این دغدغه شما ناشی از چیست؟

اصل توافق اولیه ژنو بر این مبناست که ایران غنی سازی را برای

من موافقم که توافق ژنو از تشدید بحران و اعمال تحریم های کشنده جدید علیه جمهوری اسلامی ایران جلوگیری کرد

